



Investigating the attitude, interest, and knowledge of foreign Persian learners of cultural elements of the Persian language and Iran

Navid Atar sharghi¹, Zahra Dehghan Ghojur²

1. Assistant Professor of Persian Language Teaching Center, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. (**Corresponding author**). navid_atar.sharghi@PLC.ikiu.ac.ir
2. Adjunct Lecturer, Persian Language Teaching Center, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

ABSTRACT



Keywords:

Culture,
Cultural Competence,
Cultural Elements,
Intercultural Competence,
Language Teaching,
Persian as a Foreign Language (PFL),
Persian as a Second Language (PSL).

Background and Objectives: There is a close and reciprocal relationship between culture and language. In modern approaches to language teaching, cultural factors are integrated, and language learners are guided toward acquiring cultural/intercultural competence. **Methods:** This research is a quantitative, descriptive-survey study conducted through fieldwork using a researcher-made questionnaire. It assesses the attitudes, level of interest, and knowledge of 58 Persian language learners regarding the cultural elements under study. Data collected were analyzed via SPSS 26, confirming the questionnaire's validity and reliability. One-sample t-test, paired t-test, Friedman test, and the LibQUAL model were utilized for data analysis. **Findings:** The results indicate a positive attitude among learners toward learning cultural elements, without any conflict with their native culture. The subjects show a significant level of interest in the study's cultural indicators; however, they only possess sufficient knowledge regarding the "customs and traditions" indicator. The positive mean difference gap between the learners' level of interest and their level of knowledge signifies a desire to learn more. The three indicators of "Tourism and Travel," "Customs and Traditions," and "Art: Architecture" ranked first to third in terms of learner interest. **Conclusion:** Without teaching cultural issues, language education will be ineffective, and research has proven that language learners generally attach great importance to it. The more familiar they are with a cultural element, the greater their interest in learning about that factor. Awareness of learners' interests and knowledge regarding cultural elements will be highly beneficial in developing educational measures and curriculum content.

Cite this article: Atar Sharghi, N. and Dehghan Ghojur, Z. (2026). Investigating the attitude, interest, and knowledge of foreign Persian learners of cultural elements of the Persian language and Iran. *Research in Teaching Persian Language and Literature*, 7 (3), 51 - 73. <https://doi.org/10.48310/rpllp.2026.23480.1359>

Received:2026/03/08; **Revised:**2026/04/30; **Accepted:**2026/03/19; **Published online:**2026/10/02

Type of article: Research Article
<https://rpllp.cfu.ac.ir>

Publisher: Farhangian University

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights





پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی

بررسی نگرش، میزان علاقه و دانش فارسی آموزان خارجی از عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران

نوید اعطارشرقی^۱، زهرا دهقان قجور^۲

۱. استادیار مرکز آموزش زبان فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

navid_atar.sharghi@PLC.ikiu.ac.ir

۲. مدرس مدعو مرکز آموزش زبان فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: بین فرهنگ و زبان رابطه‌ای تنگاتنگ و دوسویه وجود دارد. در رویکردهای نوین آموزش زبان، آموزش عوامل فرهنگی لحاظ می‌شود؛ و زبان آموزان به سوی کسب توانش فرهنگی/ بینا فرهنگی هدایت می‌شوند. **روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه کمی توصیفی - پیمایشی است که به شیوه میدانی و به وسیله یک پرسش‌نامه محقق ساخته، انجام شده است که نگرش، میزان علاقه و شناخت ۵۸ فارسی آموز از عناصر فرهنگی مورد بررسی را می‌سنجد. داده‌های جمع‌آوری شده توسط نرم‌افزار SPSS26 بررسی و روایی و پایایی پرسش‌نامه تأیید شد. برای واکاوی داده‌ها از آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، تی زوجی، فریدمن و مدل لیب‌کوال استفاده شد. **یافته‌ها:** بررسی‌ها بیانگر این است که آزمودنی‌ها نسبت به یادگیری عناصر فرهنگی نگرش مثبت دارند و آن را در تضاد با فرهنگ بومی خود نمی‌دانند. آنها به میزان معنی‌داری به شاخص‌های فرهنگی علاقه دارند؛ اما تنها نسبت به شاخص آداب و رسوم دارای شناخت هستند. اختلاف میانگین شکاف بین سطح علاقه و سطح دانش زبان آموزان مثبت می‌باشد که به معنی تمایل به دانستن بیشتر می‌باشد. ۳ شاخص «توریسم و گردشگری»، «آداب و رسوم» و «هنر: معماری» در رتبه‌های اول تا سوم از نظر میزان علاقه قرار دارند. **نتیجه‌گیری:** بدون آموزش مسائل فرهنگی، آموزش زبان ناکارآمد است. نتایج نشان می‌دهد که این زبان آموزان اهمیت زیادی برای فرهنگ زبان فارسی قائل هستند. هرچه میزان آشنایی آن‌ها با یک عنصر فرهنگی بیشتر است، علاقه آنها نیز به یادگیری آن عامل بیشتر می‌باشد. آگاهی از علاقه‌مندی و شناخت زبان آموزان از عناصر فرهنگی در تدوین اقدامات آموزشی و محتوای درسی بسیار سودمند خواهد بود.



واژه‌های کلیدی:

آموزش زبان،
توانش فرهنگی،
توانش بینا فرهنگی،
فارسی زبان خارجی،
فارسی زبان دوم،
فرهنگ،
عناصر فرهنگی.

استناد به مقاله: اعطارشرقی، نوید و دهقان قجور، زهرا (۱۴۰۵). بررسی نگرش، میزان علاقه و دانش فارسی آموزان خارجی از عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران، پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی، ۷ (۳)، ۵۱-۷۳. <https://doi.org/10.48310/rpllp.2026.23480.1359>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۱۰

<https://rpllp.cfu.ac.ir>

ناشر: دانشگاه فرهنگیان

نوع مقاله: پژوهشی

©۱۴۰۵ نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



مقدمه

مقوله فرهنگ جزء لاینفک حیات اجتماعی و حتی فردی انسان است و گستره مفهومی بسیار وسیع و متنوعی را در بر می‌گیرد، به نحوی که ارائه تعریفی مشخص و محدود از آن امکان‌پذیر نیست؛ و تعاریف پرشماری توسط صاحب‌نظران برای آن ارائه شده است. به گفته فلاحي (۱۳۹۶)، فرهنگ واژه‌ای کهن با ریشه اوستایی است، اما امروزه معنای لغوی آن کاربرد نداشته و در فارسی به مفاهیمی چون ادب، دانش، تربیت، خرد، فضیلت اخلاقی و مجموعه صفات پسندیده انسانی اطلاق می‌شود. در جایی دیگر فرهنگ همچون مجموعه ارزش‌های مادی و معنوی که توسط انسان‌ها در طی تاریخ انسانی آفریده شده‌اند و راه و روش زندگی که هر قومی برای خود دارد، تعریف شده است (همان). پورشه^۱ پس از تعریف واژه culture به عنوان «مجموعه‌ای از کنش‌های و رفتارهای مشترک، و شیوه‌های دیدن، اندیشیدن و عمل کردن که وابستگی‌ها و تعلقات افراد را مشخص می‌کنند»، همچون گالیسون^۲ برای مقوله فرهنگ، دو گونه فرهنگ فریخته^۳ و فرهنگ مردم‌شناختی^۴ را در نظر می‌گیرد. فرهنگ فریخته به «ادبیات، نقاشی، مجسمه‌سازی و غیره» اشاره دارد، در حالی که فرهنگ انسان‌شناختی «کنش‌های فرهنگی ...، شیوه‌های زندگی مردم و نیز چگونگی تحول جامعه» را شامل می‌شود (Chaton, 2024., Cited from Porcher, 1995., Leylaverigne & Parra, 2010).

با دقت در تعاریف فرهنگ و مفاهیمی همچون رفتارها، باورها و عقاید مشترک، می‌توان به یک مفهوم خاص اشاره کرد و آن عبارت است از «اجتماع». در واقع انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند و به صورت جمعی و در سلسله گروه‌های گوناگون زندگی می‌کنند و با هم در ارتباط هستند. بر همین اساس، «برقراری ارتباط» رکن بنیادین و غیر قابل چشم‌پوشی زندگی بشر است. همان‌طور که می‌دانیم زبان، مهمترین و موثرترین ابزار ارتباطی انسان‌ها است. «زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط است و از میان انواع رفتارهای ارتباطی، مشهورترین، رسمی‌ترین و از نظر اجتماعی مقبول‌ترین است» (بابازاده، ۱۳۸۸: ۱۹ به نقل از Ter-Minasova, 2000:6) از سوی دیگر رابطه زبان و فرهنگ از دیر باز مشخص و پذیرفته شده است. «پیوستگی زبان و فرهنگ آنچنان است که می‌توان گفت که یکی بدون دیگری وجود نخواهد داشت و دو مفهوم جدایی‌ناپذیر هستند و زبان همچون آینه، بازتابنده فرهنگ است» (اعطار شرقی و نصیرپور، ۱۴۰۰: ۴). مردم‌شناسان کلاسیک، زبان را متأثر از محیط فرهنگی می‌دانستند و معتقد بودند مغز انسان می‌تواند هر نوع فرهنگی را بپذیرد. امروزه نظریه غالب بر این است که زبان ابزار ارتباط است و فرهنگ زمینه شکل‌گیری این ارتباط را تعیین می‌کند (رضوی، ۱۳۹۲).

هر چند بر اساس ارتباط تنگاتنگ و گسست‌ناپذیر فرهنگ و زبان، آموزش فرهنگ از مدت‌ها پیش در فرایند آموزش زبان‌های خارجی مورد نظر قرار گرفته است؛ اما اهمیت آن به اندازه امروز نبوده است. در گذشته، فرهنگ به مثابه واقعیاتی طبقه‌بندی شده و قابل مشاهده و قابل تدریس مستقیم تلقی می‌شد. آموزش زبان استاد محور بود و روش‌های سنتی ارائه و نمایش اطلاعات و کتاب‌های درسی، مبتنی بر داده‌های زبانی بودند (Dugandžić, 2021., Cited from Wendt, 2003) با تحقق تغییر و تحولات جهانی و جهانی شدن (همان) پیشرفت فناوری، توسعه اقتصاد جهانی و گسترش ارتباطات بین‌المللی، نیازهای یادگیری زبان خارجی تغییر کرد و با پیدایش رویکردهای نوین آموزشی همچون رویکرد ارتباطی، تاثیر آموزش فرهنگ در آموزش زبان روز به روز از اهمیت بیشتری برخوردار شد. دیگر هدف از یادگیری یک زبان خارجی، خواندن و مطالعه ادبیات آن زبان نیست؛ بلکه افراد، بیشتر به دلایل حرفه‌ای و شغلی، تحصیلی، مهاجرت، سفر و امثالهم زبان خارجی می‌آموزند و هدف نهایی‌شان برقراری ارتباط موثر با گویشوران زبان مقصد در زمینه مورد نظر است. بدیهی است برای برقراری ارتباط موثر به زبان مقصد، یادگیری فرهنگ آن زبان ضروری است. همان‌طور که بایرام^۵ تأکید می‌کند «یادگیری یک زبان، یادگیری یک فرهنگ است؛ در نتیجه آموزش

1. Porcher
2. Galisson
3. La culture cultivée
4. la culture anthropologique
5. Byram

یک زبان نیز آموزش یک فرهنگ است» (Dugandžić, 2021., Cited from Byram, 1992)

در سال‌های طی شده قرن بیست و یکم، نه تنها بحث آموزش فرهنگ همراه با آموزش زبان کاملاً جا افتاده است و انگاره‌ها، دستورالعمل‌ها و راهبردهای متعددی برای آن از سوی پژوهشگران و نظریه‌پردازان ارائه شده است؛ بلکه حداقل از دهه آخر قرن بیستم، صحبت از درک متقابل و همزیستی فرهنگی، چندگانگی فرهنگی و توانش بینا فرهنگی به میان آمده است. در کلاس زبان خارجی، به ویژه وقتی فراگیران از ملیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت باشند، مدرسان باید توانایی این را داشته باشند که با نگاهی چندفرهنگی و روحیه‌ای انعطاف‌پذیر، فضای احترام به فرهنگ‌های مختلف و حقوق دیگران را در کلاس برقرار سازند و امکان بروز هرگونه تبعیض فرهنگی را از بین ببرند و زبان‌آموزان را به سمت کسب توانمندی اجتناب از پیش‌داوری‌های منفی یا مثبت کاذب، احترام به فرهنگ یکدیگر و فرهنگ زبان مقصد سوق دهند تا تعاملات فرهنگی - زبانی مناسب و موفق داشته باشند.

نظر به اهمیت مقوله فرهنگ در آموزش زبان فارسی به خارجی‌ها، هدف این پژوهش عبارت است از بررسی میزان علاقه و همچنین میزان شناخت فارسی‌آموزان از تعدادی از شاخص‌ها یا عناصر فرهنگی وابسته به فرهنگ ایران و زبان فارسی و مطالعه نگرش آنان نسبت به آموزش موارد فرهنگی در فرایند تحصیلی‌شان.

چندین پژوهش در خصوص آموزش فرهنگ و توانش بینا فرهنگی مبتنی بر پرسش‌نامه‌هایی برگرفته از تحقیقات مختلف خارجی در زبان فارسی انجام شده است، باری کمبود یک پرسش‌نامه منسجم که نگرش، میزان علاقه و میزان آشنایی و شناخت (=دانش) فارسی‌آموزان را نسبت به عناصر فرهنگی زبان فارسی بسنجد احساس می‌شد؛ لذا هدف دیگر این پژوهش اعتباربخشی به پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد.

پرسش‌های پژوهش نیز طبیعتاً همان‌هایی است که در پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفته است:

- ۱- نگرش فارسی‌آموزان نسبت به یادگیری موارد فرهنگی چیست؟
- ۲- فارسی‌آموزان به دانستن کدام عناصر یا شاخص‌های فرهنگی علاقه بیشتری دارند؟
- ۳- فارسی‌آموزان نسبت به کدام عناصر فرهنگی شناخت یا دانش بیشتری دارند؟

مبانی نظری پژوهش

تعریف فرهنگ

«فرهنگ» واژه‌ای است با ریشه فارسی میانه (پهلوی ساسانی) که از نظر لغوی از دو بخش تشکیل شده است: پیشوند «فره» (به معنای پیش، فرا و بالا) و «هنگ» (از ریشه پهلوی به معنای کشیدن و هنجیدن)؛ و معنی لغوی نخستین آن «پیش کشیدن و فراکشیدن» است. باری گستردگی و پیچیدگی معنایی واژه فرهنگ در زبان فارسی و معادل‌های آن در زبان‌های دیگر مثل انگلیسی و فرانسوی (culture) و عربی (الثقافة) به حدی است که تعاریف متعدد و گوناگونی برای آن ارائه شده است. در سال ۱۹۵۲ آلفرد کروب و کلاید کلاکهورن^۱ در کتاب خود به نام «فرهنگ: مروری انتقادی بر مفاهیم و تعاریف»^۲، ۱۶۴ تعریف از فرهنگ گردآوری کردند (donya-e-eqtasad.com).

به عقیده گود و همکارانش، فرهنگ «الگوی یکپارچه‌ای از رفتار انسانی است مشتمل بر افکار، ارتباطات، زبان‌ها، اعمال، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، ادب، آیین‌ها، شیوه‌های تعامل و نقش‌ها، روابط و رفتارهای مورد انتظار یک گروه نژادی، قومی، مذهبی یا اجتماعی و توانایی انتقال موارد فوق به نسل‌های بعدی» (Good et al., 2000). هینکل (۲۰۱۱) بیان می‌کند که افراد مختلف فرهنگ را به روش‌های مختلف تعریف می‌کنند که هر یک متوجه موضوعات گوناگونی از قبیل شکل کنش گفتاری، رفتارهای اجتماعی - فرهنگی، سازمان‌های اجتماعی، سازه‌های دانش و راه‌های انتقال آن است. به نظر رونالد اینگلهارت^۳ (نقل شده توسط ضیا و زارع، ۱۳۹۹) فرهنگ نظامی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی است که به طرز گسترده در میان مردم، مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

1. Alfred Kroeber & Clyde Kluckhohn
2. culture: a critical review of concepts and definition
3. Inglehart

بابازاده معتقد است که:

«فرهنگ همواره در دو بعد جداگانه مادی و معنوی بررسی می‌شود. فرهنگ مادی به مجموعه آثار عینی و مادی کارهای بشر اطلاق می‌شود و فرهنگ معنوی مجموعه‌ای از ارزش‌های معنوی است که توسط جامعه بشری ایجاد شده است. در طول تاریخ در جوامع ساخته شده به دست انسان‌ها، عملکرد اصلی فرهنگ، نقش تعیین‌کننده آن در قوانین اخلاقی و عملکرد انسان‌ها در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی و معنوی بوده است» (بابازاده، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۲).

خان جانی (۱۳۹۵) نیز مانند بابازاده باور دارد که فرهنگ هر جامعه شامل پدیده‌های مادی مانند ابزار معیشت و پدیده‌های غیرمادی همچون ارزش‌ها، نگرش‌ها و جهان‌بینی است و بازتاب‌دهنده هم شرایط زندگی و هم خودآگاهی اجتماعی و شیوه تفکر مردم است.

مؤلفه‌های فرهنگی

صراف (۱۳۹۳) معتقد است که نکته مهم در مورد فرهنگ‌ها این است که مرز مشخصی نمی‌توان برای آنها مشخص نمود و مدام در حال تحول هستند. به نظر این پژوهشگر اگر بخواهیم به عنوان نمونه به جغرافیای فرهنگی ایران بپردازیم، باید هم به عناصر مختص فرهنگ ایرانی مثل عید نوروز اشاره کنیم، هم به مناسبت‌های اسلامی مشترک با سایر کشورهای اسلامی مثل عید فطر و بدین ترتیب به محدوده فرهنگی متمایزکننده فرهنگ ایران دست یابیم.

گسترده‌ی مفهوم فرهنگ، چالش‌هایی را نیز برای آموزش آن باعث می‌شود. به نظر عبدالهی پارسا و رهبر (۱۴۰۴) بسیاری از مدرسان در مورد این که چه جنبه‌هایی از فرهنگ و به چه میزان باید آموزش داده شود، هم عقیده نیستند. حتی ممکن است مفاهیم فرهنگی، به طور غیر منصفانه یا با هدف خاصی، در مواد درسی یا برنامه‌های آموزشی ارائه شوند؛ یا برخی عناصر فرهنگی پررنگ‌تر جلوه داده یا نادیده گرفته شوند؛ بنابراین لازم است فرهنگ و مصادیق آن به صورت عینی و ملموس ارائه شود.

البته تعیین مصادیق فرهنگ یا به عبارت دیگر عناصر فرهنگی نیز کار آسانی نیست. دوستی‌زاده (۱۳۸۷) فرهنگ را مجموعه‌ای از اعمال و معلومات نمادین پویا می‌داند که درخلاقیت فرهنگی، طرز فکر، نوع احساس، ارزش‌ها، آداب و رسوم افراد یک گروه و یا یک جامعه بروز می‌کند. وی عناصر فرهنگی را به سه دسته تقسیم کرده و هر کدام از این سه دسته را به نوعی شامل اجزا مهم فرهنگ یک جامعه دانسته، ولی معتقد است که ارتباط آنها تفسیر جامعه از فرهنگ را ارائه می‌دهد: ۱) خلاقیت‌های فرهنگی: ادبیات، سنت‌ها و آداب محلی، هنر؛ ۲) رفتار و سلوک ملی: لباس، نوع زندگی، غذا، اوقات فراغت؛ ۳) معنویات: اعتقادات، تصورات، ارزش‌ها، مؤلفه‌های تاثیرگذار (دوستی‌زاده، ۱۳۸۷).

رضویان و آزادی (۱۴۰۱) چهار مصداق مکان، پوشاک، خوراک و جنسیت را در پژوهش خود در نظر گرفته‌اند. عبدالهی پارسا و رهبر (۱۴۰۴) نیز الگویی برای فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی بر اساس سلسله مراتب نیازهای مزلو^۱ ارائه کرده‌اند و برخی عناصر فرهنگی را مطابق این نیازها بررسی کرده‌اند.

در پژوهش و کیلی فر و عباسی جوکندان (۱۴۰۳) که متمرکز بر نظرخواهی از فارسی‌آموزان خارجی در خصوص توانش بینا فرهنگی است، مؤلفه‌های فرهنگی ذیل مورد پرسش قرار گرفته است: تاریخ، جغرافیا، گروه‌های قومی، زندگی روزمره، خوراک، فرهنگ جوانی، تحصیل، زندگی حرفه‌ای، سنت، آداب و رسوم و جاذبه‌های گردشگری، ادبیات، موسیقی، هنر، باورها، ارزش‌ها، روابط بین‌الملل.

میردهقان و طاهرلو (۱۳۹۰) عوامل فرهنگی زیر را به عنوان جاذبه‌های فرهنگی ایران در نظر گرفتند: تمدن کهن ایران، مکان‌های تاریخی، ادبیات، شعر و ادب، شعرای ایران، زبان فارسی، مردم و فرهنگ بومی ایران، سنت‌های ایرانی، هنر ایرانی، جشن‌های ایرانی، دانشمندان ایرانی، آداب و معاشرت.

فرهنگ و زبان

زبان ابزاری برای برقراری ارتباط است (بابازاده، ۱۳۸۸). زبان مهم‌ترین وسیله ارتباط میان انسان‌ها و پایه شکل‌گیری

1. Maslow

زندگی اجتماعی است و در عین حال، نقشی اساسی در انتقال و تداوم فرهنگ ایفا می‌کند؛ از این رو بررسی رابطه متقابل زبان و فرهنگ همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. خان جانی (۱۳۹۵) نیز با تأکید بر همین موضوع معتقد است که زبان نه تنها اصلی‌ترین ابزار ارتباط میان انسان‌ها است، بلکه بخش مهمی از فرهنگ هر جامعه را نیز تشکیل می‌دهد؛ از این رو رابطه و تأثیر متقابل زبان و فرهنگ از اهمیت بالایی برخوردار است.

خان جانی درباره رابطه میان زبان و فرهنگ می‌نویسد:

«فرهنگ در واقع بخش در هم تنیده‌ای از کنش‌های متقابل زبان و اندیشه است. زبان وابسته به فرهنگ است و بدون توجه به روابط اجتماعی یک جامعه زبانی که با زبان صورت می‌پذیرد و بدون توجه به فرهنگ جامعه که زبان بخشی از آن است، درک مفاهیم زبان امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، زبان پاره‌ای از فرهنگ مردم و مهم‌ترین وسیله برای ایجاد ارتباط میان افراد اجتماع است و از این رو زبان نه تنها بخشی از فرهنگ بلکه برای ایجاد ارتباط میان افراد اجتماع است و اگر فرهنگ را شبکه‌ای در نظر بگیریم، زبان پایه اساسی آنست به گونه‌ای که بخش‌های دیگر شبکه با کمک آن توصیف می‌شوند» (خان جانی، ۱۳۹۵: ۴۸).

در جهان امروز که اجزای درونش به طور فرهنگی با یکدیگر در ارتباطند، فهم فرهنگی مولفه اصلی ارتباط یا عدم ارتباط شمرده می‌شود (طاهری و همکاران ۱۳۹۴). بر پایه دیدگاه زبان‌شناسان، زبان تنها بازتاب واقعیت نیست، بلکه در شکل‌گیری آن نقش دارد؛ از این رو در فرایند یادگیری زبان، خلاقیت زبانی از درک مفاهیم و پیوند آن‌ها با فرهنگ گویشوران پدید می‌آید. (دوستی‌زاده، ۱۳۸۷). در نهایت رئیسی‌مبارکه (۱۳۹۵) بر این باور است که برای استفاده مؤثر از زبان و برقراری ارتباط بین فرهنگی، باید با پیام‌ها و فرایم‌های فرهنگی آشنا بود، زیرا هر زبان دستور فرهنگی خاص خود را دارد که امکان انتقال آن به دیگر فرهنگ‌ها را فراهم می‌کند.

آموزش زبان و فرهنگ

چند دهه است که آموزش زبان بدون توجه به فرهنگ منسوخ شده و مطابق نظریات معاصر یادگیری زبان خارجی بدون مسائل بین فرهنگی ناپایدار است؛ روش‌های نوین، فرهنگ جامعه مقصد را نه ابزار، بلکه محور آموزش قرار می‌دهند (دوستی‌زاده، ۱۳۸۷).

پترسون و کالترین^۱ (۲۰۰۳) با توجه به تعریف فرهنگ توسط گود و همکاران (۲۰۰۰) به عنوان پدیده‌ای که شامل دانش، افکار، آداب و رسوم، رفتارها، ارزش‌ها، باورها، زبان و غیره می‌شود نتیجه می‌گیرند که:

«زبان نه تنها بخشی از نحوه تعریف فرهنگ توسط ماست، بلکه منعکس کننده فرهنگ نیز می‌باشد؛ بنابراین، فرهنگ مرتبط با یک زبان را نمی‌توان در چند درس در مورد جشن‌ها، آهنگ‌های محلی یا لباس‌های منطقه‌ای که در آن زبان صحبت می‌شود، آموخت. فرهنگ مفهوم بسیار گسترده‌تری است که ذاتاً با بسیاری از مفاهیم زبانی که در کلاس‌های زبان دوم آموزش داده می‌شود، گره خورده است» (Peterson & Coltrane, 2003:1).

بدین ترتیب گستردگی مفهوم فرهنگ و ارتباط تنگاتنگ آن با زبان، اهمیت فرهنگ را در آموزش/ یادگیری زبان به خوبی نمایان می‌سازد. در واقع به هنگام برقراری ارتباط به واسطه زبان، ساختارهای زبانی، تنها از نظر زبان‌شناختی سنجیده نمی‌شوند، بلکه با نوعی فیلتر فرهنگی نیز مقیاس می‌شوند تا درستی یا نادرستی کاربرد آن‌ها از نظر فرهنگی مورد تأیید قرار گیرد. و به همین دلیل است که فقط یادگیری عناصر زبانی به هنگام یادگیری یک زبان خارجی کافی نیست و معیارها و ارزش‌های فرهنگی مربوط نیز باید آموخته شوند. به عنوان مثال یک فارسی‌آموز باید یاد بگیرد که به هنگام سلام و احوال‌پرسی با استاد خود نباید از ضمیر دوم شخص مفرد استفاده کند، «چطوری؟» و یا عبارت «قابل ندارد!» در فرهنگ فارسی فقط یک تعارف برای احترام‌گذاری است و به معنی عدم پرداخت پول کالای خریداری شده نیست و نباید آن را نوعی دروغ بیهوده پنداشت.

میلتون بنت^۲ (۲۰۰۱) در مورد زبان‌آموزانی که از نظر واژگانی و دستوری متبحر بوده، اما فاقد درک اجتماعی، فرهنگی و فلسفی زبان مقصد هستند، از عبارت «نادان مسلط»^۳ استفاده می‌کند و تأکید می‌کند که صحبت کردن روان، بدون دانش فرهنگی می‌تواند منجر به سوء تفاهم یا اشتباهات فرهنگی و شکست در برقراری ارتباط شود و ممکن است گوینده به طور تصادفی باعث رنجش شود یا از گویندگان بومی ناامید گردد.

در نتیجه، آشنایی هرچه بیشتر زبان‌آموزان با فرهنگ زبان مقصد، نه تنها فرایند یادگیری را آسان‌تر می‌کند، بلکه درک دقیق‌تری از کنش‌ها و واکنش‌های زبانی فراهم آورده و سوء تفاهم‌های فرهنگی و اجتماعی را کاهش می‌دهد (عبداللهی پارسا و رهبر، ۱۴۰۴). بدین ترتیب در فرایند آموزش/ یادگیری زبان، به ویژه با رویکردی ارتباطی که هدف نهایی آن برقراری درست و بهینه ارتباط با گویشوران زبان مقصد است، آموزش فرهنگ از یک سو باعث آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی زبان‌آموز با زبان مقصد و درک و تفسیر بهتر رفتارها و گفتارهای گویشوران بومی آن می‌شود و از سوی دیگر آموزش مهارت‌های زبانی در بافت زبان‌شناختی - فرهنگی طبیعی، باعث تقویت سطح یادگیری و غیر انتزاعی‌بودن آن می‌شود. در همین راستا رئیسی مبارکه (۱۳۹۵) نیز معتقد است هدف آموزش زبان را کسب توانایی برقراری ارتباط در بستری بین فرهنگی می‌داند که مبتنی بر آموزش مهارت‌های ارتباطی است و آموزش فرهنگ از عمده‌ترین بخش‌های این آموزش مهارتی است.

توانش بینا فرهنگی

در جهان کنونی به دلیل توسعه صنعتی و پیشرفت‌های فناورانه؛ ارتباطات بین‌المللی بی‌نهایت گسترش یافته و نیاز به یادگیری یک یا حتی چند زبان خارجی، جزو ضروریات زندگی شده است. و از آنجاکه تعاملات زبانی در بافت و بستری فرهنگی تحقق می‌یابند؛ در نتیجه آموزش/ یادگیری زبان خارجی، جدا از ویژگی‌های فرهنگی آن زبان، غیرواقعی، دشوار و ناکارآمد خواهد بود. خوشبختانه دیر زمانی است که مسئله آموزش فرهنگ در کلاس زبان مطرح است و پژوهشگران پرتعدادی به آن پرداخته‌اند. یکی از مفاهیم پرکاربرد وابسته به این حوزه «توانش بینا فرهنگی» است.

1. Peterson & Coltrane

2. Milton J. Bennett

3. Fluent Fool این عبارت توسط وکیلی فر و عباسی جوکندان، ۱۴۰۳، «بی‌خرد چیره بر زبان» ترجمه شده است.

طاهری و همکاران (۱۳۹۴) نیز در تعریف توانش بین فرهنگی اشاره می‌کنند که این مفهوم یادآور نظریه هایمز^۱ است که در پاسخ به مدل چامسکی ارائه شد؛ بر خلاف تمرکز چامسکی بر دانش ذاتی گرامر، هایمز هر دو توانش و کنش زبانی را مهم و مرتبط با استفاده روزمره زبان می‌داند. طاهری و همکارانش معتقدند که مدرسان زبان برای ارتقای این توانش در زبان‌آموزانشان، باید به قدر کافی با فرهنگ زبان مقصد آشنا باشند. از نظر بایرام (۱۹۹۷) به نقل از ابوالحسنی چیمه و جعفری ندوشن، (۱۴۰۳) توانش بینا فرهنگی، توانایی تعامل با مردم کشورها و فرهنگ‌های مختلف با استفاده از زبان خارجی است.

خرمی و همکاران (۱۴۰۴) به نقل از اوبرگ^۲ (۲۰۰۶) عدم آماده‌سازی زبان‌آموز توسط مدرس را برای مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی موجب ایجاد شوک فرهنگی می‌دانند که می‌تواند به اضطراب، سردرگمی یا مقاومت در مقابل پذیرش فرهنگی زبان مقصد منجر شود. این پژوهشگران تأکید بر به رسمیت‌شناختن تفاوت‌های فرهنگی و حساسیت بینا فرهنگی در برنامه‌ریزی آموزشی دارند.

خداوای و لیدودی^۳ (۲۰۱۹) تعریف مفصل‌تری ارائه کرده‌اند: «مفهوم توانش فرهنگی شامل مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها است که زبان‌آموز را قادر می‌سازد تا ویژگی‌های فرهنگ مقصد را درک کند، بپذیرد و به آنها پاسخ دهد تا بتواند به طور مؤثر به زبان مقصد ارتباط برقرار کند.» (خداوای و لیدودی، ۲۰۱۹: ۱۰۴).

در جامعه امروز، تعامل با افراد و محیط‌های بیگانه رایج است و تفاوت زبان و رفتار می‌تواند ارتباط را دشوار کند. توانش بین فرهنگی ابزاری ضروری است تا فرد بتواند این تفاوت‌ها را مدیریت و ارتباط را حفظ کند (نظری و نظری، ۱۳۹۱). در فرایند آموزش زبان‌های خارجی، توانش بین فرهنگی ضروری است، زیرا یادگیری واژگان و دستور زبان برای برقراری ارتباط کافی نیست. این توانش، ارزش تفاوت‌های فرهنگی را نشان می‌دهد و نقش مهمی در آموزش زبان مؤثر دارد (شعبری و کریمی‌نژاد ۱۳۹۱).

با این تفاسیر، آموزش فرهنگ به عنوان یکی از ضروریات آموزش زبان، می‌بایست به گونه‌ای باشد که در کنار آموزش مهارت‌های چهارگانه زبانی، زبان‌آموز را به سوی کسب دانش، مهارت و توانمندی فرهنگی مناسب در زبان مقصد به منظور برقراری ارتباط مؤثر سوق دهد. در واقع تعامل زبانی مؤثر که لازمه آن برخوردار بودن از توانش بینا فرهنگی است را می‌توان به نوعی مهارت پنجم زبانی به شمار آورد. ابوالحسنی چیمه و جعفری ندوشن (۱۴۰۳) این نکته را از قول حقانی (۱۳۸۴) تأیید می‌کنند که در ادبیات آموزشی برخی کشورها؛ از جمله آلمان و فرانسه، از فرهنگ و توانایی برقراری ارتباط بین فرهنگی به عنوان مهارت پنجم نام برده شده است.

اما مفهوم توانش بینا فرهنگی یک جنبه دیگر نیز دارد. در واقع، نه تنها زبان‌آموزان باید به نوعی توانش ارتباطی بینا فرهنگی دست یابند؛ بلکه مدرسانان نیز باید دارای نوعی توانمندی برای ارزش‌نهادن به تفاوت‌ها، گسترش همدلی متقابل و مدیریت محیط بین آشنا و نا آشنا باشند. قابلیت‌هایی که بر پایه دانش، پذیرش، سعه صدر، سازگاری، احترام به دیگران و آگاهی از فرهنگ خودی استوار است و این امکان را میسر می‌سازد که زبان‌آموزان برای برقراری یک ارتباط بینا فرهنگی و تبادل برابر و هم سطح ایده‌هایشان، توانش لازم را به دست آورند. منظور از تبادل برابر و هم سطح این است که در آموزش بینا فرهنگی، بین فرهنگ خودی و فرهنگ زبان مقصد و حتی فرهنگ همکلاسی‌های از کشورهای متفاوت، پیش‌داوری و برتری در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه تفاوت‌های فرهنگی پذیرفته می‌شود:

«بنا به تعریف دیمیتروف و همکاران (۲۰۱۴) توانایی مربیان در آموزش به دانش‌آموزانی که از نظر زبانی، فرهنگی، اجتماعی یا به روش‌های دیگر با مربی متفاوت هستند، «توانش بینا فرهنگی در تدریس» نامیده می‌شود. [...] محیط کار جهانی (به‌ویژه آموزش زبان خارجی)، نیاز به افرادی دارد که با فرهنگ‌های مختلف آشنا باشند و بتوانند با افراد سایر فرهنگ‌ها ارتباط مناسب برقرار کنند (فیاضی و جان‌نثار، ۱۳۸۵)؛ پس معلمان قرن بیست و یکم نیز باید دارای دیدگاه چند فرهنگی و توانش بینا فرهنگی باشند. [...]» (ابوالحسنی چیمه و جعفری ندوشن، ۱۴۰۳: ۳۴، ۳۲، ۳۸).

1. Dell Hathaway Hymes
2. Oberg
3. Khadraoui & Laidoudi

برخی جنبه‌های خاص در آموزش فرهنگ

شریعتی‌فرد و همکاران (۱۴۰۳) از قول پژوهشگران متعدد همچون براون (۲۰۰۷) و پری (۲۰۰۱)، بیان می‌کنند که وقتی زبان‌آموزان به تبع یادگیری زبان دوم، در معرض فرهنگ آن زبان قرار می‌گیرند، یا آن فرهنگ را می‌پذیرند (فرهنگ‌پذیری^۱) یا در مقابل آن مقاومت می‌کنند (فرهنگ ناپذیری^۲) و مطابق فرهنگ خود عمل می‌کنند. این پژوهشگران از مفاهیمی همچون وابستگی به فرهنگ خودی، هویت اجتماعی، نگرش و دلبستگی به فرهنگ زبان مقصد نام می‌برند و این عوامل را در یادگیری زبان دوم موثر می‌دانند. رضویان و آزادی (۱۴۰۱) نیز معتقدند که زبان‌آموزان همواره در حال مقایسه «خود فرهنگی^۳» و «دیگری فرهنگی^۴» و رمزگشایی ویژگی‌های فرهنگ غیر خودی و درونی کردن آن‌ها برای برقراری ارتباط زبانی هستند.

خدرآوی و لیدودی (۲۰۱۹) از قول پژوهشگرانی همچون (Alvarez, 1990) و (Leylaverigne; Para, 2010) بیان می‌کنند که برخی از معلمان زبان فرانسوی مدارس دوره متوسطه الجزایر، با وجود آگاهی از ضرورت توانش بینا فرهنگی، آن را در اقدامات آموزشی خود در نظر نمی‌گیرند؛ زیرا برای توانش زبانی اهمیت بیشتری قائل هستند و همچنین توانش فرهنگی را نوعی تهدید در مقابل هویت فرهنگی زبان‌آموزان به حساب می‌آورند. این پژوهشگران اعتراف می‌کنند که نمی‌توان خطر یک آموزش فرهنگی غیر منطقی و فکرنشده را بر جنبه‌های هویتی زبان‌آموزان رد کرد؛ مثل خطر مجذوبیت یا شیفتگی^۵ [فرهنگی] که می‌تواند به ایده‌آل‌سازی از فرهنگ بیگانه به قیمت از دست دادن فرهنگ خودی منجر شود و یا برعکس زبان‌آموزان را با خطر قوم‌گرایی یا قوم‌مداری^۶ یعنی نوعی برترانگاری و ارزش‌گذاری بیش از حد فرهنگ خودی و ارزش‌زدایی از فرهنگ مقصد، مواجه سازد. خدرآوی و همکارش تأیید می‌کنند که برای جلوگیری از بروز چنین خطراتی، آموزش جنبه‌های فرهنگی زبان مقصد نه تنها ضروری است و با هیچ بهانه‌ای قابل چشم‌پوشی نیست؛ بلکه باید کاملاً (خردمندانه) و حساب شده باشد. آن‌ها از زبان (Byram ; Gribkova ; Starkey, 2002) تأکید می‌کنند که «مدرس باید بر چگونگی واکنش شاگردان به دیگران متمرکز باشد» و ادراکات و برداشت‌های آن‌ها را به سوی اتخاذ نگرش‌های مناسب هدایت نماید (Khadraoui & Laidoudi, 2019).

پیشینه پژوهش

همان‌طور که ذکر شد کروبر و کلاکهن، ۱۶۴ تعریف را برای واژه فرهنگ گردآوری کردند. حمدرضا ضیا و سحر زارع (۱۳۹۹) نیز در مقاله خود برخی تعاریف فرهنگ را مرور می‌کنند و بر حسب منابع پژوهشی خود تعاریف فرهنگ را در سه گروه تاریخی، ساختاری و تشریحی قرار می‌دهند و انواع فرهنگ پویا و پیشرو، خودمحور، رسوبی و همچنین فرهنگ مایع و بی‌رنگ را معرفی می‌کنند. در ادامه برای مرور مشخص‌تر پیشینه پژوهشی در حوزه فرهنگ و آموزش زبان، پژوهش‌ها را در دو زیرگروه خارجی و ایرانی بررسی می‌کنیم:

پژوهش‌های غیر ایرانی

پترسون و کالترین (۲۰۰۳) در پژوهش خود اهمیت آموزش فرهنگ را بررسی کرده، تأکید می‌کنند که در فرایند آموزش زبان، اطلاعات فرهنگی باید عاری از هرگونه پیش‌داوری و قضاوت اولیه باشد به گونه‌ای که تمایز یا برتری‌ای بین فرهنگ بومی زبان‌آموزان و فرهنگ آموزشی به وجود نیاید. این پژوهشگران سپس چند راهبرد آموزشی برای آموزش فرهنگ ارائه می‌کنند؛ مانند استفاده از منابع اصیل، دیدن فیلم، آموزش ضرب‌المثل‌ها و نقش بازی کردن و استفاده از ادبیات. آن‌ها در نهایت نتیجه می‌گیرند فرهنگ باید به عنوان یک جزء حیاتی در آموزش زبان گنجانده شود و آموزش فرهنگ تنها به آموزش اطلاعات محدودی در خصوص تعطیلات، لباس‌های مرسوم، آهنگ‌های محلی و غذاها نمی‌شود؛ بلکه در واقع باید به زبان‌آموز

1. acculturation

2. deculturation → شریفی و همکاران از لفظ «فرهنگ‌زدایی» برای ترجمه این واژه استفاده کرده‌اند.

3. Cultural self

4. Cultural other

5. Éblouissement

6. Ethnocentrisme

آموخته شود چه چیزی برای گفتن به چه کسی و در چه موقعیتی و [چگونه] مناسب است. یکی دیگر از پژوهشگران شناخته شده در این حوزه بایرام است. بایرام و همکارانش در سال ۱۲۰۰۳ به درخواست شورای اروپا، برای ارتقای جنبه‌های بینا فرهنگی آموزش زبان، راهنمایی برای مدرسان تحت عنوان «گسترش ابعاد بینا فرهنگی آموزش زبان‌ها...» منتشر کردند که شامل مسائل نظری و توصیه‌های کاربردی در قالب پاسخگویی به پرسش‌های رایج مدرسان زبان در به کارگیری اصول آموزش بینا فرهنگی بود. پژوهش هینکل (۲۰۱۲) به اهمیت یادگیری فرهنگ در عصر حاضر پرداخته است. هینکل معتقد است که در یادگیری زبان و فرهنگ، هدف، شبیه سخن‌گوی بومی شدن نیست، بلکه فهمیدن مهم است. وی در این پژوهش به بررسی چند استراتژی و راهبرد در آموزش و یادگیری فرهنگ می‌پردازد. اتوینوفسکا - کاستلانیک^۲ (۲۰۱۱) در پژوهش «آیا تدریس فرهنگ نیاز است؟ چه مقدار از آن مورد نیاز است؟» به بررسی میزان آموزش فرهنگ و مقدار مورد نیاز آن در مدارس لهستان پرداخته است. با استفاده از دو پرسش‌نامه که از دانش‌آموزان و دبیران زبان انگلیسی در دبیرستان‌های لهستان گردآوری شده است، به اهمیت نقش فرهنگ اشاره کرده است. طبق نتیجه دانش‌آموزان علاقه‌ای به یادگیری اطلاعات جغرافیایی و تاریخی کشورهای انگلیسی زبان نداشته و بیشتر به استفاده از زبان انگلیسی در به دست آوردن اطلاعات در اینترنت و مواردی از این قبیل توجه داشتند. خدراوی و لیدودی (۲۰۱۹) پس از آنالیز پرسش‌نامه‌های پر شده توسط مدرسان، مشاهده کردند که با وجود آگاهی از اهمیت توانش فرهنگی در برقراری ارتباط زبانی، برخی مدرسان اهمیتی به گسترش آن نمی‌دهند و در کلاس‌های خود توانش زبانی را ارجح می‌دانند. و برخی دیگر از مدرسان که قصد ارتقاء توانش فرهنگی شاگردانشان را دارند، بیشتر به فرهنگ فرهیخته یا والا می‌پردازند و فرهنگ مردم‌شناختی [یا به عبارت دیگر فرهنگ عامه] را در نظر نمی‌گیرند.

پژوهش‌های ایرانی

میردهقان و طاهرو (۱۳۹۰) به اهمیت فرهنگ در آموزش زبان خارجی یا دوم اشاره می‌کنند و بر تاثیر فرهنگ ایرانی هنگام آموزش زبان فارسی تأکید دارند. این محققان با استفاده از پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته و جامعه آماری متشکل از ۵۰ فارسی‌زبان در سنین و سطوح تحصیلی گوناگون سه موضوع ذیل را بررسی می‌کنند: فراوانی جاذبه‌های فرهنگی ایران، تأثیر محیط یادگیری و جاذبه‌های فرهنگی در آموزش فارسی، و اثرگذاری برگزاری کلاس در محیط‌های متفاوت و برگزاری کلاس‌های فرهنگی. این پژوهشگران اظهار می‌کنند که در منابع آموزش زبان فارسی، معمولاً بر بعد محتوایی فرهنگ، تمرکز می‌شود و بر بعد اجتماعی کمتر توجه شده است. در مقابل، کشورهایی مانند ترکیه پیش از آموزش زبان، کلاس‌های فرهنگی برگزار می‌کنند که در ایران و برخی دیگر از کشورها دیده نمی‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که پیش زمینه فرهنگی در یادگیری زبان اهمیت زیادی دارد و می‌تواند باعث بروز نگرش‌های مثبت یا منفی درباره زبان مقصد شود.

مهران، ستوده‌نما و مرندي (۱۳۹۴) به بررسی نقش فرهنگ در آموزش زبان انگلیسی پرداخته، با استفاده از سه ابزار پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده، عقاید انگلیسی‌آموزان ایرانی را مورد بررسی قرار دادند و با توجه به نتایج، آموزش و یادگیری مقوله فرهنگ در زبان مقصد را امری مهم و لازم دانستند.

خان جانی (۱۳۹۵) نیز نقش و جایگاه فرهنگ را در آموزش زبان فارسی/ زبان خارجی و ارتباط و تاثیر زبان و فرهنگ را بر هم بررسی می‌کند. وی تسلط عملی بر زبان فارسی و تجربه آموزش زبان فارسی را امری مهم پنداشته، معلمان را به آموزش مهارت گفتاری در کنار دانش زبان‌شناسی تشویق کرده و به اهمیت آن اشاره کرده است.

نامور (۱۳۹۲) رابطه آموزش زبان و فرهنگ و چگونگی نمایان شدن مولفه‌های فرهنگی زبان فارسی در چهار کتاب آموزش زبان فارسی داخلی و خارجی به غیرفارسی‌زبانان را مطالعه و تلاش کرده است تا میزان کاربرد مفاهیم فرهنگی در واژه‌ها را بررسی کند.

۱. بایرام در سال ۱۹۹۷ کتابی با عنوان ذیل به طبع رسانده بود و در سال ۲۰۲۰ ویراست جدید آن را ارائه کرد:

teaching and assessing intercultural communicative competence, Clevedon: multilingual matters

2. Otwinowska-Kasztelanica

دهقان فجور (۱۴۰۲) نیز به مقوله فرهنگ در آموزش زبان انگلیسی به فارسی‌زبانان پرداخته و اهمیت آن را باتوجه‌به علاقه و توجه زبان‌آموزان مورد بحث و بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که زبان‌آموزان علاقه دارند درباره مسایل فرهنگی زبان مقصد بدانند و معتقدند که مسایل فرهنگی می‌تواند به یادگیری آنها کمک کند.

عباسی و همکاران (۱۳۹۹) نقل شده توسط موحدکر، (۱۴۰۲) چالش‌های مدرسان در کلاس‌های چند فرهنگی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبان را وابسته به نه عامل ذکر کرده‌اند: آموزشی، مذهبی، یادگیری، تدریس، عاطفی، انگیزه، دانش زبانی پیشین و اجتماعی. بدیهی است حداقل عوامل مذهبی، اجتماعی و انگیزه، ارتباط تنگاتنگی با عناصر فرهنگی زبان مقصد دارند.

ابوالحسنی چیمه و جعفری ندوشن (۱۴۰۳) میزان همبستگی بین توانش بینا فرهنگی مدرسان زبان فارسی به غیر فارسی زبانان و عملکرد فارسی‌آموزانشان را بررسی کردند. آنها با استفاده از پرسش‌نامه هوش بینا فرهنگی آنگ^۱ و همکاران (۲۰۰۴) توانایی ۲۷ مدرس زبان فارسی به خارجی‌ان را در برقراری ارتباط بهتر در محیط چند فرهنگی آموزش زبان فارسی و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی شاگردانشان سنجیدند. نتایج حاصله حاکی از آن بود که میزان توانش بینا فرهنگی مدرسان آموزش زبان فارسی، با کیفیت تدریس آنان رابطه مستقیم دارد. شناخت، پذیرش و احترام بیشتر به فرهنگ‌های مختلف، داشتن انگیزه و علاقه به تعامل بینا فرهنگی و همچنین استفاده از راهبردهای مناسب در تدریس می‌تواند باعث ارتقاء سطح یادگیری فارسی‌آموزان شود.

«طراحی الگوی فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان بر پایه سلسله مراتب نیازهای مزلو از دیدگاه مدرسان» عنوان پژوهشی است که توسط عبدالهی پارسا و رهبر (۱۴۰۴) انجام شده است. این پژوهشگران از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۳ مدرس زبان فارسی، نظرات آنان را در خصوص نقش ابعاد فرهنگی مختلف در یادگیری زبان فارسی با توجه به سلسله مراتب هشتگانه نیازهای مزلو بررسی نموده، بر اساس آن یک چارچوب نظری و الگویی فرهنگی برای آموزش فرهنگ زبان فارسی و مصادیق آن ارائه کرده‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر تحقیقی توصیفی - پیمایشی است که به صورت میدانی و از طریق پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته انجام شده است. هدف پژوهش عبارت است از مطالعه دیدگاه‌های فارسی‌آموزان نسبت به آموزش فرهنگ ایرانی در فرایند یادگیری زبان فارسی، میزان علاقه آنان به عناصر مختلف فرهنگی و میزان شناخت یا دانسته‌هایشان از آن عوامل فرهنگی و همچنین اعتباربخشی به پرسش‌نامه محقق‌ساخته مذکور که برای اولین بار در مطالعات مربوط به فرهنگ و آموزش زبان (فارسی) مورد استفاده قرار گرفته است.

جامعه آماری

در این پژوهش ۵۸ فارسی‌آموز خارجی در بازه سنی ۱۸ تا ۲۶ سال، از مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، به صورت تصادفی در دسترس انتخاب شدند. سطح زبانی اکثر آنها پیشرفته بود و فارسی‌آموزانی بودند که برای ورود به دانشگاه‌های ایرانی در رشته‌های پزشکی، مهندسی و انسانی ترم دوم فارسی‌آموزی خود را می‌گذراندند. تقریباً یک چهارم از شرکت‌کنندگان نیز سطح زبانی مبتدی (عمومی) داشتند. بیشتر شرکت‌کنندگان عرب زبان و از کشورهای لبنان، سوریه، عراق و بحرین و تعدادی هم پاکستانی، ترک و افغان بودند. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در بخش آمار توصیفی ارائه شده است. البته ویژگی‌هایی مثل سن، جنسیت، ملیت و سطح زبانی جزو متغیرهای پژوهش نبود.

ابزار پژوهش

ابزار این پژوهش یک پرسش‌نامه است که توسط نگارندگان ساخته شده است و حاوی ۱۰۲ پرسش و شامل سه بخش

1. Ang

به شرح زیر است:

- **بخش توضیحات اولیه:** راهنمایی‌ها برای پاسخگویی به پرسش‌ها؛
 - **بخش اول:** پرسش‌های مربوط به اطلاعات شخصی همچون سن، جنسیت، زبان مادری و ... ؛
 - **بخش دوم:** ۱۰ پرسش در مورد نگرش فارسی‌آموزان درباره‌ی یادگیری عناصر فرهنگی ایران و زبان فارسی با طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم)؛
 - **بخش سوم:** ۴۶ پرسش در خصوص میزان علاقه به یادگیری تک‌تک عناصر فرهنگی مورد بررسی در پژوهش؛
 - **بخش چهارم:** ۴۶ پرسش در خصوص میزان شناخت و دانش فارسی‌آموزان از عناصر فرهنگی مورد بررسی.
- در واقع بخش سوم و چهارم مکمل هم هستند و سوالات مربوط به این دو بخش بسیار شبیه به هم هستند و در پرسش‌نامه در مقابل یکدیگر آورده شده‌اند. نحوه چینش و طیف پاسخگویی در شکل زیر مشخص است:

بخش سوم: میزان علاقه‌مندی به یادگیری عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران	بخش چهارم: میزان دانش زبان‌آموز از عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران
باورها و عقاید 11) دوست دارم در مورد قوم‌های گوناگون ایران و پیشینه تاریخی‌شان اطلاعات داشته باشم. کاملاً موافقم ☐ موافقم ☐ نظری ندارم ☐ مخالفم ☐ کاملاً مخالفم ☐	باورها و عقاید 57) من درباره قوم‌های گوناگون ایران و پیشینه تاریخی‌شان اطلاعات.....دارم. خیلی زیادی ☐ زیادی ☐ متوسطی ☐ کمی ☐ خیلی کمی ☐
12) دوست دارم در مورد زبان‌های اقوام ایرانی و لهجه‌های زبان فارسی اطلاعات داشته باشم. کاملاً موافقم ☐ موافقم ☐ نظری ندارم ☐ مخالفم ☐ کاملاً مخالفم ☐	58) من در مورد زبان‌های اقوام ایرانی و لهجه‌های زبان فارسی اطلاعات.....دارم. خیلی زیادی ☐ زیادی ☐ متوسطی ☐ کمی ☐ خیلی کمی ☐

تصویر ۲: چینش پرسش‌های بخش‌های سوم و چهارم پرسش‌نامه

عناصر فرهنگی مورد بررسی در پرسش‌نامه عبارتند از: ۱) باورها و عقاید، ۲) آداب و رسوم، ۳) ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی، ۴) تاریخ و جغرافیا، ۵) هنر: ادبیات، ۶) هنر: موسیقی، ۷) هنر: سینما و تئاتر، ۸) هنر: صنایع دستی، ترسیمی، رقص، ۹) هنر: معماری، و ۱۰) توریسم و گردشگری.

روایی و پایایی پرسش‌نامه

با توجه به این که پرسش‌نامه مورد استفاده، محقق ساخته می‌باشد، بررسی روایی و پایایی و تأیید آن لازم و ضروری می‌باشد.

برای سنجش اعتبار صوری، در یک آزمون مقدماتی پرسش‌نامه بین ۵ نفر خبره توزیع گردید و از پاسخ دهندگان خواسته شد تا ضمن پاسخ به سؤالات، نظرات خود را در مورد مناسب بودن سؤالات پرسش‌نامه جهت سنجش شاخص مورد نظر و همچنین ابهامات موجود ابراز نمایند و نظرات اصلاحی آنها اعمال شد.

برای بررسی روایی محتوایی پرسش‌نامه‌ها از ضریب لاوشه استفاده شد. بدین منظور پرسش‌نامه‌های متشکل از ۱۰۲ پرسش در ۱۰ بُعد یا عنصر فرهنگی، در اختیار ۱۲ ارزیاب که همگی از اساتید و مدرسان باسابقه آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان بودند، قرار گرفت و روایی محتوایی برای شاخص‌ها براساس نظرات مجموع ۱۲ ارزیاب محاسبه شد. براساس تعداد ۱۲ ارزیاب مطابق حداقل CVR روایی محتوایی پرسش‌نامه (۰/۵۶) مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۱: نتایج نسبت اعتبار محتوایی به دست آمده برای سؤالات پرسش‌نامه

شماره عنصر فرهنگی	نسبت اعتبار محتوا	شماره عنصر فرهنگی	نسبت اعتبار محتوا
۱.	۱/۰۰	۶.	۰/۸۳
۲.	۱/۰۰	۷.	۱/۰۰

۱/۰۰	۸.	۰/۸۳	۳.
۱/۰۰	۹.	۱/۰۰	۴.
۰/۸۳	۱۰.	۱/۰۰	۵.

از آنجاکه ضریب آلفای کرانباخ معمولاً شاخص کاملاً مناسبی برای سنجش قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری و هماهنگی درونی میان عناصر آن است، بنابراین قابلیت اعتماد یا پایایی پرسش‌نامه مورد استفاده در این تحقیق به کمک آلفای کرانباخ ارزیابی شد. بدین منظور ابتدا یک نمونه اولیه شامل ۲۰ پرسش‌نامه پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از این پرسش‌نامه‌ها و به کمک نرم افزار آماری SPSS، میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرانباخ ۰/۹۲۱ بدست آمد که نشان از پایایی قابل قبول پرسش‌نامه است.

روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

در تحقیق حاضر، ابتدا اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه‌ها استخراج گردیده، سپس کلیه اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS.26 در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در بخش آمار استنباطی، ابتدا با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای به بررسی سطح علاقه و سطح دانش زبان آموزان از شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران پرداخته، سپس با استفاده مدل لیب کوال و آزمون تی زوجی شکاف (اختلاف بین سطح علاقه و سطح دانش شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران) بررسی و نهایتاً با استفاده از آزمون فریدمن هر یک از شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران در دو سطح علاقه و میزان دانش رتبه‌بندی شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در این بخش ابتدا به بررسی و توصیف خصوصیات و فاکتورهای توصیفی نمونه مورد بررسی در پژوهش می‌پردازیم. همچنین درصد پاسخ‌گویی نمونه پژوهش به سوالات پرسش‌نامه نگرش نسبت به یادگیری شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران و نهایتاً میانگین و انحراف معیار از شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران در دو سطح علاقه و میزان دانش محاسبه و گزارش شده است.

مشخصات فردی نمونه پژوهش

ویژگی‌های شخصی پاسخ‌دهندگان (جنسیت، سن، سطح زبانی، گروه و رشته تحصیلی و ملیت) در جدول ۲ داده شده است. از مجموع ۵۸ نفر نمونه پژوهش ۳۰ نفر معادل ۵۴/۵ درصد مرد و ۲۵ نفر معادل ۴۵/۵ درصد زن بوده‌اند. در مورد بازه‌های سنی نمونه پژوهش اکثریت افراد در بازه سنی زیر ۲۰ سال با ۴۱ نفر معادل ۷۰/۷ درصد بوده‌اند، گروه فنی و مهندسی با ۲۰ نفر معادل ۳۴/۵ درصد بیشترین فراوانی رشته و گروه تحصیلی را داشته، ۱۴ نفر معادل ۲۴/۱ درصد از نمونه پژوهش در سطح مبتدی و ۴۴ نفر معادل ۷۵/۹ درصد در سطح پیشرفته زبانی و در مورد ملیت اکثریت افراد یعنی ۳۳ نفر معادل ۵۶/۹ درصد لبنانی بوده‌اند.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

متغیر	مؤلفه	تعداد	درصد	متغیر	مؤلفه	تعداد	درصد
جنسیت	زن	۲۵	۴۵/۵	سطح زبان فارسی	مبتدی	۱۴	۲۴/۱
	مرد	۳۰	۵۴/۵		پیشرفته	۴۴	۷۵/۹
رده سن	بدون پاسخ	۳	-	ملیت	عراقی	۴	۶/۹
	زیر ۲۰ سال	۴۱	۷۰/۷		لبنانی	۳۳	۵۶/۹
	۲۱ تا ۲۵ سال	۱۳	۲۲/۴		سوری	۷	۱۲/۱
	بالای ۲۵ سال	۴	۶/۹		پاکستانی	۸	۱۳/۸
گروه و رشته تحصیلی	فنی مهندسی	۲۰	۳۴/۵	ترک	افغان	۱	۱/۷
	پزشکی	۱۸	۳۱/۰		ترک	۳	۵/۲

۳/۴	۲	بحرینی		۱۰/۳	۶	انسانی	
				۲۴/۱	۱۴	عمومی	

جدول ۳ نتایج توصیفی (درصد پاسخ‌دهی به طیف‌های هر یک از سوالات و عبارات) بخش اول پرسش‌نامه اصلی تحقیق را نشان می‌دهد. این بخش شامل ۱۰ سوال در مورد نگرش زبان‌آموزان درباره یادگیری عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران بوده است.

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده (جدول ۳) در مورد نحوه پاسخ‌دهی نمونه‌های پژوهش به سوالات نگرش زبان‌آموزان درباره یادگیری عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران ملاحظه می‌شود که بیشترین درصد پاسخ به گزینه «کاملاً مخالفم» مربوط به عبارت «من فکر می‌کنم ممکن است یادگیری فرهنگ ایران بر فرهنگ ملی خودم تاثیر منفی بگذارد» با ۴۵/۶ درصد و بیشترین درصد پاسخ به گزینه «کاملاً موافقم» مربوط به عبارت «به نظر من یادگیری فرهنگ یک کشور جدید در کنار فرهنگ ملی خودم باعث رشد شخصیت من می‌شود» با ۴۹/۱ درصد بوده است.

جدول ۳: درصد پاسخ‌دهی به عبارات پرسش‌نامه نگرش زبان‌آموزان درباره یادگیری عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران

عبارت	کاملاً مخالفم	مخالفم	قلری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم
من به عنوان یک فارسی آموز باید با فرهنگ ایران آشنا شوم.	۱/۷	۱/۷	۳/۴	۵۱/۷	۴۱/۴
بیشتر لازم است زبان فارسی را خوب یاد بگیرم و نیازی به یادگیری فرهنگ ایرانیان و فارسی زبانان ندارم	۱۲/۱	۴۶/۶	۱۹/۰	۱۵/۵	۶/۹
من باید اطلاعات زیادی در مورد فرهنگ ایران داشته باشم تا بتوانیم به خوبی با فارسی زبانان ارتباط برقرار کنم.	۰۰/۰	۳/۴	۱۰/۳	۵۱/۷	۳۴/۵
به نظر من در شرایط کنونی جهان و مسئله جهانی شدن، یادگیری فرهنگ اهمیت کمتری نسبت به یادگیری زبان دارد	۵/۳	۴۳/۹	۲۶/۳	۱۹/۳	۵/۳
به نظرم جاذبه‌های فرهنگی ایران و زبان فارسی تاثیر زیادی بر یادگیری زبان فارسی من دارد و یادگیری مرا تسهیل می‌کند	۱/۷	۰۰/۰	۱۲/۱	۵۸/۶	۲۷/۶
فقط لازم است به زبان فارسی و واژگان و دستور فارسی تسلط پیدا کنم و در سطح رشته دانشگاهی‌ام اطلاعات داشته باشم	۸/۸	۴۳/۹	۷/۰	۲۴/۶	۱۵/۸
وجود مسائل فرهنگی در کتاب‌های آموزش زبان فارسی برای من بسیار جذاب است و تاثیر زیادی بر یادگیری من دارد	۰۰/۰	۷/۰	۱۹/۳	۶۱/۴	۱۲/۳
به نظرم در کتاب‌های زبان فارسی، میزان آموزش مسائل فرهنگی باید خیلی کمتر از آموزش موارد زبانی و دستوری باشد	۵/۳	۳۸/۶	۲۹/۸	۱۹/۳	۷/۰
من فکر می‌کنم ممکن است یادگیری فرهنگ ایران بر فرهنگ ملی خودم تاثیر منفی بگذارد.	۴۵/۶	۳۸/۶	۷/۰	۳/۵	۵/۳
به نظر من یادگیری فرهنگ یک کشور جدید در کنار فرهنگ ملی خودم باعث رشد شخصیت من می‌شود	۰۰/۰	۳/۵	۷/۰	۴۰/۴	۴۹/۱

جدول ۴ نتایج توصیفی (میانگین و انحراف معیار) شاخص‌های بخش دوم پرسش‌نامه اصلی تحقیق را نشان می‌دهد. این بخش شامل ۱۰ شاخص باورها و عقاید، آداب و رسوم، ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی، تاریخ و جغرافیا، هنر: ادبیات، هنر: موسیقی، هنر: سینما و تئاتر، هنر: صنایع دستی، ترسیمی و رقص، هنر: معماری و توریسم و گردشگری می‌باشد که در دو سطح میزان علاقه و میزان دانش زبان‌آموز در مورد آن شاخص مورد پرسش قرار گرفته است.

با توجه نتایج به‌دست‌آمده (جدول ۴) بالاترین میانگین نمره در هر دو سطح علاقه و دانش مربوط به شاخص «آداب و رسوم» و پایین‌ترین نمره در سطح علاقه و دانش به ترتیب مربوط به شاخص‌های «هنر: سینما و تئاتر» و «هنر: ادبیات» بوده است.

جدول ۴: میانگین و انحراف معیار شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران (سطح میزان علاقه و میزان دانش)

شاخص	سطح میزان علاقه		سطح میزان دانش	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
باورها و عقاید	۳/۹۲۲	۰/۶۴۰	۲/۶۲۵	۰/۸۵۸
آداب و رسوم	۴/۱۹۸	۰/۶۷۶	۳/۵۴۷	۰/۹۳۱
ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی	۳/۸۸۷	۰/۶۷۲	۲/۸۱۹	۰/۸۵۸
تاریخ و جغرافیا	۳/۸۰۰	۰/۷۶۴	۲/۶۵۱	۰/۹۶۶
هنر: ادبیات	۳/۵۳۱	۰/۸۸۶	۲/۰۶۲	۰/۸۳۷
هنر: موسیقی	۳/۴۸۸	۰/۸۹۸	۲/۱۳۷	۰/۸۶۶
هنر: سینما و تئاتر	۳/۴۶۵	۰/۸۰۸	۲/۰۷۹	۰/۹۴۰
هنر: صنایع دستی، ترسیمی و رقص	۳/۶۲۶	۰/۸۲۱	۲/۱۴۳	۰/۸۷۹
هنر: معماری	۴/۰۷۳	۰/۶۹۴	۲/۴۷۴	۰/۹۴۶
توریسم و گردشگری	۴/۱۹۶	۰/۶۵۹	۲/۶۵۵	۰/۸۱۳

*طیف‌های لیکرت مورد استفاده: ۱ = خیلی کم الی ۵ = خیلی زیاد (برای میزان دانش) و ۱ = کاملاً مخالفم الی ۵ = کاملاً موافقم (برای میزان علاقه‌مندی)

آمار استنباطی

در این بخش به بررسی سوالات و اهداف اصلی تحقیق با استفاده از روش‌های آماری خاص پرداخته‌ایم. در ابتدا به بررسی میزان علاقه و همچنین دانش زبان آموزان در مورد شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای پرداخته‌ایم، سپس با استفاده از آزمون تی زوجی و مدل لیب کوال به بررسی شکاف بین میزان علاقه و میزان دانش زبان آموزان در مورد شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران پرداخته‌ایم و نهایتاً با استفاده از آزمون فریدمن به رتبه‌بندی هر یک از شاخص‌ها از دو منظر علاقه و دانش پرداخته‌ایم.

بررسی وضعیت و سطح علاقه و میزان دانش شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران

همانطور که اشاره شد برای بررسی وضعیت و سطح علاقه و میزان دانش شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران از آزمون فرض آماری میانگین یک جامعه یا به عبارتی از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است که در واقع تفاوت بین میانگین نمونه مورد بررسی را با یک مقدار مفروض مورد آزمون قرار می‌دهد. به طور خلاصه برای بررسی وضعیت هر کدام از شاخص‌ها در حالت علاقه و دانش، از آزمون آماری میانگین یک نمونه استفاده شد. فرض صفر و مقابل در مورد شاخص‌ها باتوجه به طیف ۵ تایی لیکرت به این صورت است:

آزمون فرض:

$$H_0: (\text{فرضیه صفر}): \mu \leq 3$$

$$H_1: (\text{فرضیه مقابل}): \mu > 3$$

باتوجه به اینکه تمامی سوالات پرسش‌نامه به صورت مستقیم طراحی شده‌اند، در مورد هر دو بخش علاقه و دانش در پرسش‌نامه میانگین به دست آمده در بازه ۱ تا ۳ به معنای عدم علاقه و دانش و در بازه بیشتر از عدد ۳، به معنای علاقه و دانش زبان آموز در مورد شاخص می‌باشد.

باتوجه به جدول ۵ آزمون‌های تی تک نمونه‌ای برای میزان علاقه به هر ۱۰ شاخص عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران معنی‌دار می‌باشد ($sig < 0.05$). همچنین با توجه به میانگین بالای ۳ برای این ۱۰ شاخص زبان آموزان در سطح معنی‌داری علاقه به تمام شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران دارند.

جدول ۵: بررسی وضعیت میزان علاقه زبان آموزان به شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران بر اساس

آزمون تی تک نمونه‌ای (ملاک آزمون = ۳)

شاخص	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	وضعیت علاقه به شاخص
------	---------	--------------	-------------	---------------	---------------------

باورها و عقاید	۳/۹۲۲	۰/۶۴۰	۱۰/۹۶۴	۰/۰۰۱	در سطح علاقه معنی دار
آداب و رسوم	۴/۱۹۸	۰/۶۷۶	۱۳/۴۸۷	۰/۰۰۱	در سطح علاقه معنی دار
ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی	۳/۸۸۷	۰/۶۷۲	۱۰/۰۵۷	۰/۰۰۱	در سطح علاقه معنی دار
تاریخ و جغرافیا	۳/۸۰۰	۰/۷۶۴	۷/۹۷۴	۰/۰۰۱	در سطح علاقه معنی دار
هنر: ادبیات	۳/۵۳۱	۰/۸۸۶	۴/۵۶۴	۰/۰۰۱	در سطح علاقه معنی دار
هنر: موسیقی	۳/۴۸۸	۰/۸۹۸	۴/۱۳۹	۰/۰۰۱	در سطح علاقه معنی دار
هنر: سینما و تئاتر	۳/۴۶۵	۰/۸۰۸	۴/۳۸۷	۰/۰۰۱	در سطح علاقه معنی دار
هنر: صنایع دستی، ترسیمی و رقص	۳/۶۲۶	۰/۸۲۱	۵/۸۰۸	۰/۰۰۱	در سطح علاقه معنی دار
هنر: معماری	۴/۰۷۳	۰/۶۹۴	۱۱/۷۶۸	۰/۰۰۱	در سطح علاقه معنی دار
توریسم و گردشگری	۴/۱۹۶	۰/۶۵۹	۱۳/۸۲۷	۰/۰۰۱	در سطح علاقه معنی دار

باتوجه به جدول ۶ ملاحظه می‌شود که آزمون‌های تی-تک‌نمونه‌ای برای میزان دانش برای ۹ شاخص از ۱۰ شاخص عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران (باورها و عقاید، ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی، تاریخ و جغرافیا، هنر: ادبیات، هنر: موسیقی، هنر: سینما و تئاتر، هنر: صنایع دستی، ترسیمی و رقص، هنر: معماری و توریسم و گردشگری) معنی‌دار نمی‌باشد ($sig > 0/05$). همچنین با توجه به میانگین کمتر از ۳ برای این ۹ شاخص، زبان آموزان دانش معنی‌داری در مورد این شاخص‌ها ندارند. اما در مورد شاخص «آداب و رسوم» آزمون معنی‌دار بوده ($sig < 0/05$) و همچنین با توجه به میانگین بالای ۳ برای این شاخص زبان آموزان در سطح معنی‌داری از دانش در مورد این شاخص قرار دارند.

جدول ۶: بررسی وضعیت میزان دانش زبان آموزان از شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران بر اساس آزمون تی تک نمونه‌ای (ملاک آزمون=۳)

شاخص	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	وضعیت دانش از شاخص
باورها و عقاید	۲/۶۲۵	۰/۸۵۸	-۳/۳۳۰	۰/۹۹۹	عدم دانش معنی‌دار
آداب و رسوم	۳/۵۴۷	۰/۹۳۱	۴/۴۸۰	۰/۰۰۱	در سطح دانش معنی دار
ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی	۲/۸۱۹	۰/۸۵۸	-۱/۶۱۰	۰/۹۴۳	عدم دانش معنی‌دار
تاریخ و جغرافیا	۲/۶۵۱	۰/۹۶۶	-۲/۷۴۰	۰/۹۹۶	عدم دانش معنی‌دار
هنر: ادبیات	۲/۰۶۲	۰/۸۳۷	-۸/۵۳۰	۰/۹۹۹	عدم دانش معنی‌دار
هنر: موسیقی	۲/۱۳۷	۰/۸۶۶	-۷/۵۸۰	۰/۹۹۹	عدم دانش معنی‌دار
هنر: سینما و تئاتر	۲/۰۷۹	۰/۹۴۰	-۷/۴۶۰	۰/۹۹۹	عدم دانش معنی‌دار
هنر: صنایع دستی، ترسیمی و رقص	۲/۱۴۳	۰/۸۷۹	-۷/۴۲۰	۰/۹۹۹	عدم دانش معنی‌دار
هنر: معماری	۲/۴۷۴	۰/۹۴۶	-۴/۲۳۰	۰/۹۹۹	عدم دانش معنی‌دار
توریسم و گردشگری	۲/۶۵۵	۰/۸۱۳	-۳/۲۳۰	۰/۹۹۹	عدم دانش معنی‌دار

بررسی اختلاف سطح علاقه و میزان دانش

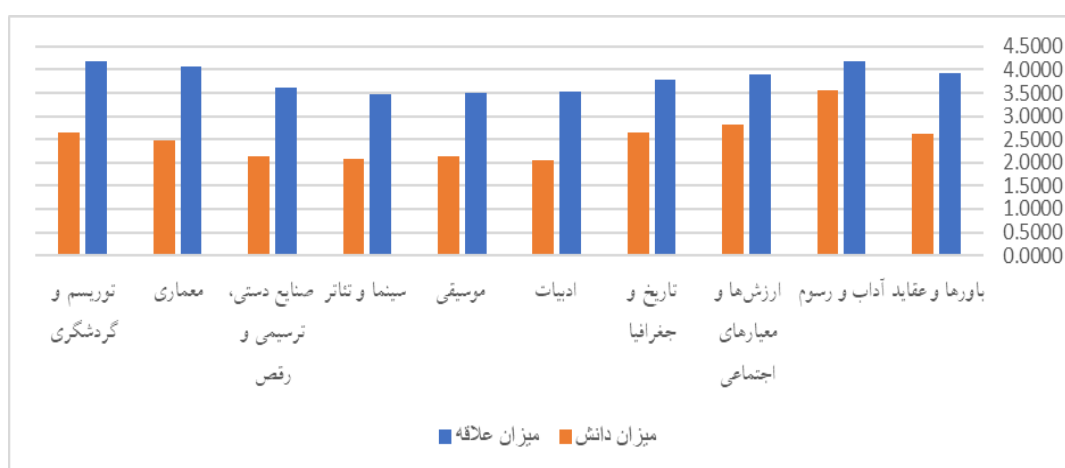
در این بخش با استفاده از آزمون‌های تی زوجی به بررسی میزان اختلاف بین سطح علاقه و میزان دانش (شکاف) شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران پرداخته‌ایم. جدول ۷ خلاصه نتایج آزمون‌های تی زوجی را نشان می‌دهد.

جدول ۷: خلاصه نتیجه آزمون‌های تی زوجی برای بررسی شکاف بین علاقه و دانش در مورد شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران تحت مدل لیب‌کوال

شاخص‌های	میانگین اختلاف	آماره آزمون (t) زوجی	سطح معنی‌داری (sig)	نتیجه بررسی
باورها و عقاید	۱/۲۹۷	۱۱/۰۲۲	۰/۰۰۱	شکاف معنی‌دار بین میزان علاقه و دانش
آداب و رسوم	۰/۶۵۰	۴/۲۳۸	۰/۰۰۱	شکاف معنی‌دار بین میزان علاقه و دانش

ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی	۱/۰۶۸	۸/۹۴۴	۰/۰۰۱	شکاف معنی‌دار بین میزان علاقه و دانش
تاریخ و جغرافیا	۱/۱۴۸	۹/۲۴۵	۰/۰۰۱	شکاف معنی‌دار بین میزان علاقه و دانش
هنر: ادبیات	۱/۴۶۸	۱۱/۶۷۲	۰/۰۰۱	شکاف معنی‌دار بین میزان علاقه و دانش
هنر: موسیقی	۱/۳۵۰	۱۲/۳۲۰	۰/۰۰۱	شکاف معنی‌دار بین میزان علاقه و دانش
هنر: سینما و تئاتر	۱/۳۸۶	۱۱/۹۱۰	۰/۰۰۱	شکاف معنی‌دار بین میزان علاقه و دانش
هنر: صنایع دستی، ترسیمی و رقص	۱/۴۸۲	۱۲/۴۹۷	۰/۰۰۱	شکاف معنی‌دار بین میزان علاقه و دانش
هنر: معماری	۱/۵۹۹	۱۱/۷۷۳	۰/۰۰۱	شکاف معنی‌دار بین میزان علاقه و دانش
توریسم و گردشگری	۱/۵۴۱	۱۱/۸۳۵	۰/۰۰۱	شکاف معنی‌دار بین میزان علاقه و دانش

باتوجه به جدول ۷ و نمودار ۱ ملاحظه می‌شود که آزمون در مورد تمام ۱۰ شاخص عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران در مورد شکاف بین میزان علاقه و میزان دانش زبان آموزان از عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران معنی‌دار ($\text{sig} < 0.05$) و همچنین اختلاف میانگین شکاف مثبت می‌باشد یعنی از نظر زبان آموزان در مورد هر ۱۰ شاخص عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران می‌بایست سطح دانش زبان آموزان را افزایش داد تا به سطح مورد علاقه ایشان نزدیک شود.



نمودار ۱: مقایسه شکاف معنی‌دار بین میزان علاقه و دانش در مورد شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران

همچنین با توجه به نمودار ۱ بیشترین اختلاف و شکاف در مورد ۱۰ شاخص عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران مربوط به شاخص «هنر: معماری» بوده است. پس از این شاخص نیز ۲ شاخص «توریسم و گردشگری» و «هنر: صنایع دستی، ترسیمی و رقص» در رتبه‌های بعدی بیشترین اختلاف و شکاف بین میزان علاقه و میزان دانش قرار دارند. کمترین شکاف و اختلاف نیز مربوط به شاخص «آداب و رسوم» بوده است.

رتبه‌بندی شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران

جهت رتبه‌بندی هر یک از شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران از آزمون فریدمن استفاده شده است. این آزمون پس از معنی‌داری به رتبه‌بندی هر یک از شاخص‌ها با توجه به میانگین رتبه می‌پردازد. جدول ۸ خلاصه نتیجه آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران از نظر میزان علاقه زبان‌آموزان را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که آزمون معنی‌دار است ($sig < 0.05$) بدین معنی که بین رتبه و اهمیت شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران از نظر میزان علاقه زبان‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها نیز ۳ شاخص «توریسم و گردشگری»، «آداب و رسوم» و «هنر: معماری» در رتبه‌های اول تا سوم از نظر میزان علاقه قرار دارند.

جدول ۸: رتبه‌بندی میزان علاقه زبان‌آموزان به شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران

رتبه	میانگین رتبه	شاخص
۱	۷/۲۳	توریسم و گردشگری
۲	۷/۰۳	آداب و رسوم
۳	۶/۷۲	هنر: معماری
۴	۵/۹۳	باورها و عقاید
۵	۵/۶۰	ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی
۶	۵/۴۵	تاریخ و جغرافیا
۷	۴/۴۷	هنر: صنایع دستی، ترسیمی و رقص
۸	۴/۴۶	هنر: ادبیات
۹	۴/۰۹	هنر: موسیقی
۱۰	۴/۰۳	هنر: سینما و تئاتر
sig=۰/۰۰۱	$\chi^2=95/350$	نتیجه آزمون فریدمن

جدول ۹ خلاصه نتیجه آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران از نظر میزان دانش زبان‌آموزان را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که آزمون معنی‌دار است ($sig < 0.05$) بدین معنی که بین رتبه و اهمیت شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران از نظر میزان دانش زبان‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها نیز ۳ شاخص «آداب و رسوم»، «ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی» و «توریسم و گردشگری» در رتبه‌های اول تا سوم از نظر میزان دانش قرار دارند.

جدول ۹: رتبه‌بندی میزان دانش زبان‌آموزان از شاخص‌های عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران

رتبه	میانگین رتبه	شاخص
۱	۸/۸۵	آداب و رسوم
۲	۶/۶۹	ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی
۳	۶/۲۵	توریسم و گردشگری
۴	۶/۱۵	تاریخ و جغرافیا
۵	۶/۱۰	باورها و عقاید
۶	۵/۵۶	هنر: معماری
۷	۴/۱۳	هنر: موسیقی
۸	۴/۰۳	هنر: صنایع دستی، ترسیمی و رقص
۹	۳/۷۱	هنر: سینما و تئاتر
۱۰	۳/۵۳	هنر: ادبیات

نتیجه آزمون فریدمن	$\chi^2 = 168/542$	sig=0/001
--------------------	--------------------	-----------

بحث و نتیجه‌گیری

از مباحث مطرح شده این نتیجه بر می‌آید که امروزه، آموزش زبان باید به گونه‌ای باشد که در کنار مهارت‌های چهارگانه زبانی، مهارت فرهنگی - تعاملی نیز به عنوان عامل پنجم به زبان‌آموزان آموزش داده شود تا در آنان نوعی توانمندی فرهنگی برای تعامل و برقراری ارتباط زبانی شکل گیرد (توانش فرهنگی) و باتوجه به این که در محیط‌های آموزشی، شغلی و اجتماعی دنیای امروز، افراد با فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف با هم در ارتباط قرار می‌گیرند، باید نوعی دانش و توانمندی سازگاری و فهم و پذیرش فرهنگ‌های دیگران نیز در زبان‌آموزان ایجاد شود تا در محیط‌های چندگانه فرهنگی با مشکلی مواجه نشوند (توانش بینافرهنگی). بدیهی است خود مدرسان نیز برای اجرای این آموزش‌ها و انتقال دانش و تقویت توانمندی‌های فرهنگی باید از دانش و توانش لازم برخوردار باشند (توانش فرهنگی و بینافرهنگی تدریس). رفتار مدرس در کلاس زبان و در مواجهه با فرهنگ‌های مختلف، به عنوان الگویی برای شاگردان، باید به دور از پیشداوری، چه مثبت و چه منفی، باشد تا امنیت روانی که لازمه یادگیری است در کلاس برقرار شود. در این راستا بسیار مطلوب خواهد بود که مدرس در بدو امر از نگرش و میزان علاقه زبان‌آموزانش و میزان شناخت آن‌ها از عناصر فرهنگی زبان و کشور مقصد آگاهی یابد تا بتواند با برنامه‌ریزی صحیح، شاگردان را به سمت کسب توانش فرهنگی و بینافرهنگی مطلوب سوق دهد. به همین هدف پرسشنامه‌ای برای سنجش نگرش، میزان علاقه و میزان دانش فارسی‌آموزان به عناصر فرهنگی زبان فارسی و ایران طراحی شد.

نتایج این پژوهش، حاکی از نگرش مثبت و اهمیت بسیار بالای آموزش مسائل فرهنگی از نظر زبان‌آموزان می‌باشد. درصد بالایی از آزمودنی‌ها یادگیری فرهنگ ایرانی را باعث رشد فردی خود دانسته‌اند و مغایرتی با فرهنگ خود در آن نمی‌بینند و معتقدند برای برقراری ارتباط موثر باید با فرهنگ ایران آشنا باشند. آنها تمایل به آشنایی بیشتر با عوامل فرهنگی و کم کردن فاصله بین علاقه و دانش خود در این زمینه دارند. هرچه میزان آشنایی آن‌ها با یک عنصر فرهنگی بیشتر بوده، علاقه آنها نیز به یادگیری در خصوص آن عامل بیشتر بوده (جدول ۳: شاخص آداب و رسوم) و بالعکس (شاخص‌های سینما - تئاتر و ادبیات). با توجه به این که این زبان‌آموزان دوره آموزش خود را در ایران می‌گذرانند و اکثریت مسلمان و شیعه بودند، طبیعی است که آشنایی اولیه‌ای با برخی از رسوم ایرانیان داشته باشند. وانگهی کمبود علاقه و شناخت آنها نسبت به عناصر ادبیات و سینما و تئاتر با در نظر گرفتن رشته دانشگاهی مورد نظر اکثریت آنها (مهندسی و پزشکی) قابل توجیه است.

آگاهی از پیش‌زمینه‌های علاقه‌مندی و شناخت زبان‌آموزان از عناصر فرهنگی در تدوین برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات آموزشی بسیار سودمند خواهد بود. اطلاعات حاصل از این پرسش‌نامه برای تدوین محتوای درسی بسیار مفید است؛ به عنوان نمونه داده‌ها و اطلاعات به دست آمده در این پژوهش به خوبی سمت و سوی اقدامات آموزشی و انتخاب محتوای درسی را برای این گروه آشکار ساخته است. با توجه به داده‌های نمودار ۱، بیشترین شکاف علاقه - دانش در شاخص‌های معماری، توریسم، صنایع دستی - ترسیمی دیده می‌شود و بیشترین علاقه آنها در جدول ۷ به آیتم‌های توریسم، معماری و آداب و رسوم معطوف است؛ مواردی که باید در برنامه و فعالیت‌های کلاس لحاظ گردد. همچنین با توجه به این که این گروه علاقه پایین‌تری نسبت به عنصر ادبیات از خود نشان داده‌اند، می‌توان با طراحی فعالیت‌های کلاسی خاص، میزان علاقه آنها را به این عامل فرهنگی بسیار مهم افزایش داد؛ مثلاً با امتیاز دادن به از حفظ خوانی چند بیت شعر فارسی، یا تأکید بر وجوه علمی (نجوم، ریاضی، ...) شخصیت شاعرانی مثل خیام، و تاثیر ادبیات فارسی بر ادبیات غرب و

در نظر گرفتن متغیرهایی مانند ملیت، جنسیت و رشته تحصیلی در تحلیل‌های آماری، افزایش عناصر فرهنگی مورد مطالعه و تمایز قائل شدن بین شاخص‌های فرهنگ عامه و فرهیخته را می‌توان به عنوان پیشنهادی پژوهشی

مطرح نمود. همچنین طراحی درسنامه‌ها و اقدامات آموزشی مرتبط با عناصر فرهنگی مورد بحث، زمینه خوبی برای ادامه پژوهش‌هایی این چنین دست خواهد بود.

مشارکت نویسندگان

میزان مشارکت نویسندگان در نگارش مقاله یکسان است.

تشکر و قدردانی

از مسئولان و کارشناسان و داوران نشریه نهایت سپاسگزاری را داریم.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

- ابوالحسنی چیمه، زهرا؛ و جعفری ندوشن، مانده (۱۴۰۳). بررسی میزان همبستگی بین توانش بینا فرهنگی در مدرسان زبان فارسی به غیرفارسی زبانان و عملکرد فارسی آموزانشان، *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان*، ۱۳(۲۸)، ۵۱-۲۸. DOI: 10.30479/JTPSOL.2025.21174.1683
- اعطار شرقی، نوید؛ و نصیریپور، الاله (۱۴۰۰). *قصه‌ها و مثل‌های فارسی برای فارسی‌آموزان خارجی*. تهران: نشر آرفا.
- بابازاده، جمیله (۱۳۸۸). زبان، فرهنگ، اصطلاحات و ارتباط آنها با آموزش زبان‌های خارجی. *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، ۱۴(۵۵)، ۱۹-۲۸.
- خان جانی، لایلا (۱۳۹۵). نقش فرهنگ در آموزش زبان فارسی به عنوان زبان خارجی. *یازدهمین گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران*، دانشگاه گیلان، ۴۷-۵۷. <https://sid.ir/paper/843977/fa>
- خرمی، ثریا؛ صحرایی، رضامراد؛ و باصری، علی (۱۴۰۴). طراحی الگوی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان با تأکید بر حساسیت بینا فرهنگی. *پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی*، ۶(۴)، ۹۶-۸۰. DOI: 10.48310/rpllp.2026.21706.1300
- دوستی‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۷). اهمیت انتقال فرهنگ در کسب مهارت‌های زبانی. *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، ۱۳(۴۶)، ۸۴-۶۷.
- دهقان قجور، زهرا (۱۴۰۲). آموزش فرهنگ در یادگیری زبان دوم و خارجی. *نوزدهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ*. <https://civilica.com/doc/209885>
- رستم بیک تفرشی، آتوسا؛ و رضانی واسوکلائی، احمد (۱۳۹۲). نقش فرهنگ در آموزش زبان خارجی. *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۲(۲۴)، ۱۵-۳۴.
- رضوی، عبدالحمید (۱۳۹۲). تأملی بر مناسبت فرهنگ، زبان و آموزش زبان. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۹(۳۰)، ۱۱-۳۲.
- رضویان، حسین؛ و آزادی، طاهره (۱۴۰۱). بررسی مجموعه کتاب‌های «فارسی بیاموزیم» از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی. *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان*، ۱۱(۲۳)، ۲۱۸-۲۴۲.
- DOI : 10.30479/JTPSOL.2023.17854.1612
- رئیزی مبارکه، نفیسه (۱۳۹۵). چهره فرهنگ و خُلقیات ایرانی در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به انگلیسی‌زبانان. *مطالعات آموزش بین‌المللی زبان فارسی*، ۲(۳)، ۸۳-۱۰۴. DOR: 20.1001.1.25386042.1395.2.3.4.9
- شریعتی‌فرد، غزاله سادات؛ کامیابی‌گل، عطیه؛ و استاجی، اعظم (۱۴۰۳). بررسی رابطه وابستگی به فرهنگ خودی و

- تقلید لهجه فارسی آموزان، پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، ۱۳(۲۸)، ۸۳-۱۰۶.
DOI: 10.30479/JTPSOL.2025.21606.1691
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۱). نقش و جایگاه اینترنت در تقویت توانش بینا فرهنگی زبان‌آموزان فرانسه. اولین همایش میان رشته‌ای آموزش و یادگیری زبان، ۳۰۱-۳۱۲. <https://sid.ir/paper/852297/fa>
- صراف، کارمین (۱۳۹۳). توجه به فرهنگ در تدوین متون آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان. نخستین همایش آموزش زبان فارسی. ۳۵۷-۳۶۵. <https://sid.ir/paper/848629/fa>
- ضیا، محمدرضا؛ و زارع، سحر (۱۳۹۹). مروری بر چند تعریف از فرهنگ. رهیافت فرهنگ دینی، ۳(۱۱ و ۱۲)، ۶۰-۶۹.
- طاهری، پریسا؛ الهی شیروان، مجید؛ قنسولی، بهزاد؛ و صفار مقدم، احمد (۱۳۹۴). بررسی آشنایی مدرسان زبان انگلیسی با فرهنگ خارجی از منظر توانش بین فرهنگی. مطالعات زبان و ترجمه، ۴۸(۲)، ۷۷-۹۲.
DOI: 10.22067/lts.v48i2.44645
- عبداللهی پارسا؛ طاهره؛ و رهبر، بهزاد (۱۴۰۴). طراحی الگوی فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان بر پایه سلسله مراتب نیازهای مزلو از دیدگاه مدرسان، پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان. ۳۹-۶۸، ۱۴(۲۹). DOI : 10.30479/JTPSOL.2025.21589.1689
- فلاحی، کاظم (۱۳۹۶). دوره آموزشی/اصول فرهنگ و مردم‌شناسی. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان.
- موحدکر، الهام (۱۴۰۲). آموزش زبان فارسی به دانشجویان غیرفارسی زبان دانشگاه های علوم پزشکی کشور. پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی، ۴(۲)، ۱-۲۰.
- DOI: 10.48310/rpllp.2024.12899.1096
- مهران، پریسا؛ ستوده‌نما، الهه؛ و مرندی، سیده‌سوسن (۱۳۹۴). دیدگاه‌های زبان‌آموزان در مورد مفهوم فرهنگ و بازتاب آن در آموزش زبان انگلیسی به دانشجویان ایرانی. زبان پژوهی، ۷(۱۷)، ۱۴۳-۱۷۴.
- DOI: 10.22051/jlr.2016.2150
- مهمین‌ناز میردهقان؛ و طاهرلو، فرنوش (۱۳۹۰). تاثیر فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، مجله ادبیات پارسی معاصر، ۱(۲)، ۱۱۵-۱۳۱.
- نامور، عادل (۱۳۹۲). بازنمایی فرهنگ در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان: مطالعه موردی چهار کتاب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، نظری، سارا؛ و نظری، محمود (۱۳۹۰). توانش بین فرهنگی در آموزش زبان‌های خارجی: چالش یا ضرورت؟. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱(۲)، ۹۵-۱۰۹.
- وکیلی فرد، امیررضا؛ و عباسی جوکندان، الهام (۱۴۰۳). توانش ارتباطی بینا فرهنگی در کلاس‌های آموزش زبان فارسی دیدگاه فارسی‌آموزان غیر ایرانی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۷(۱)، ۷-۳۴.
DOI: 10.22035/jicr.2024.3125.3438

References

- Abdollahi Parsa T, Rahbar B. (2025). Designing a Persian Cultural Model for Teaching Persian to Non-Persian Speakers Based on Maslow's Hierarchy of Needs: Teachers' Perspective. *Journal of Teaching Persian to Speakers of Other Languages*, 14(29), 39-68. [In Persian]. DOI: 10.30479/jtpsol.2025.21589.1689
- Abolhassani Chimeh Z & Jafari Nodoushan M, (2024). Investigating The Correlation Between the Intercultural Competence of Persian language Teachers to Non-Persian Speakers and Their Persian Learners' Performance, *Journal of Teaching Persian to Speakers of Other Languages*, 13(28), 27-51. [In Persian]. DOI: 10.30479/JTPSOL.2025.21174.1683
- Atar Sharghi, N. & Nasirpoor, E. (2021). *Persian Tales and Proverbs for Intermediate & Upper-intermediate Persian learners*, Tehran: AZFA Publications (Affiliated with Saadi Foundation). [In Persian].
- Babazadeh, J. (2009). *Language, Culture, Expressions and Foreign Language Teaching*.

- Research in Contemporary World Literature*, 14(55), 19-28.
- Chaton, M.E. (2024). La compétence interculturelle dans l'enseignement de l'anglais. Université de la Réunion, Mémoire de Master MEEF Anglais. <https://dumas.ccsd.cnrs.fr/dumas-04619953v1> (dumas-04619953).
- Dehghan Ghofur Z, (2024). Cultural education in second / foreign language learning, *19th International Conference on Language, Literature, Culture and History Studies*. [in Persian]. <https://civilica.com/doc/209885>
- Dousti Zadeh, M. (2008). Language Competence in the Beam of Cultural Recognition. *Research in Contemporary World Literature*, 13(46), 67-84. [in Persian].
- Dugandžić, D. (2021), Éléments culturels dans l'enseignement du français langue étrangère. University of Zagreb, Master's thesis, Faculty of Humanities and Social Sciences. <https://urn.nsk.hr/urn:nbn:hr:131:657457>
- Fallahi, Kazem. (2017). Training course on the principles of culture and anthropology. General Directorate of Culture and Islamic Guidance of Gilan.
- Hinkel, E. (2012). language learning and language culture in a changing world. *Applied research on English language*. Vol 1, issue 2, p 45-56
- Khadraoui, E. & Laidoudi, A. (2019). Le développement de la compétence culturelle en classe de FLE : les enseignants du cycle moyen entre théorie et pratique, *Revue Didactique*, 8(1), 102-125.
- Khan Jani, L. (2016). The Role of Culture in Teaching Persian as a Foreign Language. *11th National Conference of the Association for the Promotion of Persian Language and Literature of Iran*. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/843977/fa>.
- Khorami, S., Sahraei, R. and Baseri, A. (2025). Designing a Persian Language Teaching Model for Non-Persian Speakers with Emphasis on Intercultural Sensitivity. *Research in Teaching Persian Language and Literature*, 6(4), 96-80. [in Persian]. doi: 10.48310/rplp.2026.21706.1300
- Mehran, P., Sotodenama, E. and Marandi, S. S. (2016). Iranian EFL Learners' Beliefs about Culture and its Reflection on Teaching English Language. *ZABANPAZHUI (Journal of Language Research)*, 7(17), 143-174. DOI : 10.22051/jlr.2016.2150
- Mirdehghan M., Taherloo, F. (2011). The Impact of Iranian Culture on Teaching Persian to Speakers of Other Languages, *Journal of Contemporary Persian Literature*, 1(2), 115-131. [In Persian].
- (2024). Teaching Persian language to non-Persian speaking students in the universities of the medical sciences in the country. *Research in Teaching Persian Language and Literature*, 4(2), 1-20. DOI: 10.48310/rplp.2024.12899.1096
- Namvar, A. (2013). Representation of culture in Persian language teaching textbooks to non-Persian speakers: A case study of four Persian language teaching books to non-Persian speakers (Master's thesis). Alzahra University, Tehran, Iran. [In Persian].
- Nazari, S., & Nazari, M. (2011). Intercultural competence in foreign language teaching: A challenge or a necessity? *Linguistic Research in Foreign Languages*, 1(2), 95-109. [In Persian].
- Otwinowska-Kazetelanic, A. (2011). Do we need to teach culture and how much culture do we need? Aspects of culture in second language acquisition and foreign language learning, 35-48. DOI:10.1007/978-3-642-20201-8_4
- Razavi, A.H., (2013). Reflecting on Relevance of Culture, Language and Second Language Education. *Cultural Studies & Communication*, 9(30), 11-32. [in Persian]
- Razavian H, & Azadi T, (2023). The study of «Learn Persian» collection from the Perspective of Cultural Semiotics, *Journal of Teaching Persian to Speakers of Other Languages*, 11(23), 218-242. [In Persian]. DOI : 10.30479/JTPSOL.2023.17854.1612
- Raeisi Mobarake, N. (2017). The face of Iranian culture and temperament in Persian to English language teaching books. *Persian Language International Teaching Studies*, 2(3), 83-104.

- [In Persian]. DOR: 20.1001.1.25386042.1395.2.3.4.9
- Sarrafi, K. (2014). Attention to culture in the development of Persian language teaching texts for non-Persian speakers. *The first Conference on Persian Language and Literature Teaching*. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/848629/fa>
- Shairi, H., Karimi Nejad, S. (2012). The role and position of the Internet in strengthening the intercultural competence of French language learners. *The First Interdisciplinary Conference on Language Teaching and Learning*. 301-312. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/852297/fa>.
- Shariati Fard, G., Kamyabi Gol, A. & Estaji A. (2024). Analyzing the Relationship between Home Culture Attachment and Accent Imitation of Persian learners, *Journal of Teaching Persian to Speakers of Other Languages*, 13(28), 83-106. [In Persian]. DOI: 10.30479/JTPSOL.2025.21606.1691
- Tafreshi, A and Vasookolaee, A. (2013). On the Role of Culture in Language Teaching. *Pizhuhish nāmah-i intiqādī-i mutūn va barnāmah hā-yi 'ulūm-i insāni (Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences)*, 12(24), 15-34. [in Persian]
- Taheri, P., Elahi Shirvan, M., Ghonsooly, B. & Saffar Moghadam, A. (2015). Exploring Iranian EFL Teachers' Familiarity with Foreign Culture in Terms of Intercultural Competence. *Language and Translation Studies (LTS)*, 48(2), 77-92. DOI: 10.22067/lts.v48i2.44645
- Vakilifard, A. & Abbasijokandan, E. (2024). Intercultural communication competence in Persian language teaching classes: The perspective of non-Iranian learners. *Journal of Iranian Cultural Research*, 17(1), 7-34. [In Persian]. DOI: 10.22035/jicr.2024.3125.3438
- Zia, M. R. & Zare, S. (2020). A review of several definitions of culture. *Religious culture approach*, 3(11-12), 60-69.

Internet:

<https://donya-e-eqtesad.com/بخش-اندیشه-اقتصاد-۷۹۳۸۹۷/۲۳-فرهنگ-چیست/>